

## جملات ناهمپایه در زبان سُغدی

تیمور قادری

در هرزبانی جملات مرکب و غالباً ناهمپایه از پیچیدگی خاصی برخوردارند و تشخیص اعضای پایه و پیرو نیز به همین منوال مشکل است. ایلیا گرشویچ (Ilya Gershevitch) در کتاب معروف خود با عنوان دستور زبان سُغدی مانوی، که در سال ۱۹۵۴ به چاپ رسید، به جملات نهی - شرطی<sup>۱</sup> در زبان سُغدی اشاره کرد.<sup>۲</sup> وی بر همین پایه، شناسه اول شخص مفرد فعل در این گونه جملات رانیز شناسایی کرد. در سال ۱۹۵۹، ای - بنوینست (E. Benveniste) در مقاله‌ای، که در مجله آسیایی به چاپ رسانید، به وجه شرطی که خود یکی از انواع جملات مرکب در زبان سُغدی است، اشاره کرد.<sup>۳</sup> وی بر پایه همین تشخیص دو شناسه اول و سوم شخص مفرد فعل در این وجه، یعنی شرطی رانیز مشخص ساخت. در سال ۱۹۶۵، خانم دکتر قریب در رساله دکتری خود با عنوان

1. *Conjunctive*

2. I. Gershevitch (1954), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Basil Blackwell, §. 688.

3. E. Benveniste (1959), "Études sur quelques textes Sogdiens chrétiens" (II), *JA* 247 pp. 115-134, (119-121).



نظام فعل در زبان سغدی، به تبعیت از بنویست، این وجه را شرطی خواند و تقریباً بر این تشخیص صحه گذارد.<sup>۱</sup> ان-سیمز ویلیامز (N.Sims-Williams) نیز در حاشیه کتاب خود متون سغدی مسیحی از این وجه به عنوان وجه ربطی نام برد و دو فعل را که دارای شناسه صرفی اول شخص مفرد در این وجه بودند مشخص ساخت.<sup>۲</sup>

حال که باتاریخچه‌ای مختصر از این وجه در کتب و آثار سغدی شناسان آشنا شدیم؛ بهتر است به بحث پیرامون این مسئله مهم در زبان سغدی بپردازیم.

همچنانکه گفتیم، جملات مرکب پیچیدگی خاصّ زبانی رابا خود به همراه دارند. معمولاً این جملات از دو عضو یا بیشتر تشکیل یافته‌اند، که همیشه یک جمله پایه یا هسته و یک جمله یا جملات بعدی وابسته یا پیرو محسوب می‌شوند. هر عنصری از عناصر جمله پایه (فاعل، مفعول، قیود) می‌تواند جمله پیرو ویژه خود را داشته باشد، که آن را بیشتر و بهتر توصیف نماید. در زبان فارسی امروز تعداد جملات مرکب و نوع ورده آنها بسیار متنوع است. جملات مرکب وابسته با جمله (=فراکرد) پیرو تعیینی، پیرو متممی، پیرو نهادی، پیرو گزاره‌ای، پیرو مکانی، پیرو زمانی، پیرو سببی، پیرو مقصدی، پیرو شرطی، پیرو نتیجه‌ای، پیرو مقداری،... از آن جمله‌اند.<sup>۳</sup>

چنانکه مشاهده می‌کنیم، جملات مرکب شرطی تنها یکی از انواع جملات مرکب محسوب می‌شوند. نگارنده در تحقیق پیرامون مباحث دستوری زبان سغدی، علاوه بر جملات مرکب شرطی، به چندین نوع دیگر از این نوع جملات؛ مثل، جملات مرکب وابسته بافراکرد پیرو سببی (=علتی)، جملات مرکب وابسته بافراکرد پیرو متممی، جملات مرکب بافراکرد پیرو نتیجه‌ای، جملات مرکب بافراکرد پیرو مکانی<sup>۴</sup>،... پی برده

1. B.Gharib (1965), *Analysis of the Verbal System in the Sogdian Language*, (unpublished thesis) pp.165-166.

2. N.Sims-Williams (1985), *The Christian Sogdian Manuscript c2*, p.193.

۳. احمد، شقایق (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: نوین، صص ۳۰۳-۶۲۱.

۴. تیور، قادری (۱۳۷۰)، نظام فعل در زبان سغدی، رساله دکتری (چاپ نشده) صص ۱۵۷-۱۵۹.



و درعین حال، شناسهٔ سوم شخص جمع فعل در این نوع جملات را نیز مشخص کرده است. تمام این جملات مرکب در نوشته‌های برجامانده از زبان سُغدی یافت می‌شود. نکتهٔ دیگر اینکه شناسه‌های صرفی افعال در این نوع جملات تماماً مربوط است به افعال به کار رفته در جملات پیرو، و این مشخصه‌ای است که نوع جملات مرکب رادر زبان سُغدی از دیگر زبانهای ایرانی میانه متمایز می‌سازد. شناسه‌های صرفی فعل در جملات مرکب آن گونه به افعال ویژهٔ جملات پیرو متصل‌اند که خواننده این جملات را از جملات اصلی یا پایه تشخیص می‌دهد.

۱- جملات مرکب وابسته بافراکرد پیرو متممی - در یکی از متنهای سُغدی بودایی موجود در کتابخانهٔ پاریس آمده است:<sup>۱</sup>

"...rty zk βyr'wr'y ywt'w cywd kyryh rm my'wn, 'sp'd, pr'yw kyw'yd kndh s'r 'sp'dyh βz'ysty ,przy 'wnkw n'βh s't βt'ydw'ynt 'ky'pzy wydh kp'yyst βwrt'd'r'ntw."

"پادشاه ویراوره به خاطر کینه (= عداوت)؛ باتمامی سپاهیانش؛ براسب سوار شد و تمامی مردمی را که ماهیهارخورده بودند؛ کشتند".

فراکرد پیرو متممی

چنانکه ملاحظه می‌کنیم، "که ماهیهارخورده بودند" جملهٔ پیرو متمم (=مفعول) صریح جملهٔ پایه، یعنی "مردمی را" می‌باشد؛ و باز همچنانکه می‌بینیم شناسهٔ صرفی فعل جملهٔ پیرو ntw' است، که شناسهٔ صرفی سوم شخص جمع فعل می‌باشد. در حالی که شناسهٔ صرفی فعل در جملهٔ پایه nt,pt'yw'y است. این دو شناسهٔ صرفی 'nt و "ntw" دقیقاً دو جملهٔ پایه و پیرو را از یکدیگر متمایز می‌سازد.



۲- جملات مرکب وابسته بافراکرد پیروعلتی (حسبیبی) ادریکسی ازمتنهای موجود درمجموعه متنهای سغدی مسیحی آمده است:

"w'nč'nw rynčg fny:šysq t'm' 't pr zyn qy qwrn xčy 't pwtqy bwtq' 'xwsy:dsq t'm'  
 فعل جمله پایه (۱) فعل جمله پایه (۲)

qt pry:čw wbyw qy ny ftyrg"  
 فعل جمله پیرو

"چرا (به چه علت) تو مرا اغوا می کنی باطلا، که پوسیدنی خواهد بود، مرفریب می دهی  
 جمله پایه (۱) جمله پایه (۲)  
 که خداوند را، که هرگز نمی میرد، رهاسازم.  
 جمله پیروسیبی

دراینجا رهاساختن و دست کشیدن از خداوند سبب و علت اصلی جملات پایه (۱) و (۲)، یعنی اغواکردن و فریب دادن است و شناسه صرفی فعل جمله پیرو 'w' می باشد.  
 ۳- جملات مرکب وابسته بافراکرد پیرو نتیجه ای<sup>۲</sup> درجمله ای از متون سغدی بودایی آمده است:

"... 'wst'yrt y prw'rt prw šyr'k k'yd'kh cnn šyr'y mk' zy cnn šyr''k swky rty zkh  
 w'td'r "z'wn ptbs'nt zy my ny'wš'ntw..."

"... و آن را [کتاب را] بر روی کاغذ [ینویس] باخط خوب تا  
 جمله پایه  
 تمام موجودات زنده [=آدمیان] که آنرا می خوانند یامی شنوند..."  
 جملات پیرو نتیجه ای (۱) (۲)

۴- جملات مرکب وابسته بافراکرد پیرومکانی<sup>۳</sup> در متن بودایی سوترا آمده است:

"...rty ywn'k wyspw n'mt'k zk zkzy wyšnw mrtymyt yyr't škr'nt rty 'yk' myr'nt rty

1. N. Sims-Williams, op.cit p.146.(17,18).  
 2. E.Benveniste, op.cit, p.45 (950-3).  
 3. D.N. Mackenzie (1970), *The Sūtra of the Causes and Effects of Actions in Sogdian*, London: p.16(259-262).



zkwyh tšy ptkrnty tmy 'npt'nt zkzy šy zk tm'yk βr'γ'z'nt dywt βrγw'y'ntw 'pzyšn  
'spn'ykwk'k..."

"... و آنها که [هستند] اغفال کننده و مردم رامی فریبند، زمانی که می میرند،

جمله پایه (۲)

جمله پایه (۱)

در جهنمی از ساطور [= کارد و ابزار برنده] می افتند جایی که دیوان شروع به تکه تکه

جمله پیرومکانی

جمله پایه (۳)

کردن آنها می کنند."

در جمله فوق، مکانی که خطاکاران در آن سقوط می کنند، توصیف و تشریح شده است و جمله وابسته، فراکرد پیرو مکان محسوب می شود.

۵- جملات مرکب وابسته با فراکرد پیرو شرطی<sup>۱</sup> در یکی از متنهای سغدی پاریس آمده است:

"'tβn prβ'yrt d'r'm...'pzy wy 'ršk drm kβny p'rwtly kd'spt'w prβ'yrvk'm rty pr  
yrβy zmn'w l' zy'mt β'y."

"... و برای شما شرح دادم ... اگر بخواهم فرمان رابه طور کامل شرح کنم؛

جمله پیرو شرط

در زمان بسیار طولانی نیز تمام نتواند شد..."

جمله پایه: نتیجه شرط

بنویست در مقاله خود، در جملات شرطی جمله ای را آورده است، سیمز ویلیامز این جمله را وجه شرطی نمی داند؛ بلکه در کتاب متون سغدی مسیحی این جمله را وجه نامحقق<sup>۲</sup> دانسته است. البته دلایل یادلیل بنویست در معرفی این جمله به عنوان جمله

1. E. Benveniste (1940), op.cit., p.57 (1222-4).

2. Irrealis

مرکب شرطی قویتر و مستدلتر است، زیرا این جمله دارای نشانه خواستاری  $^1$   $-yt-t$  یا نشانه وجه نامحقق  $-wt-t$  نیست.<sup>۲</sup> البته سیمز و یلبامز نیز این وجه را به تبعیت از گرشویچ نامحقق می‌پندارد.<sup>۳</sup> نگارنده معتقد است که جمله مذکور یک جمله یا وجه ربطی یا بهتر بگوییم جمله مرکب است، که جمله پیرو به طور کامل متمم صریح (=مفعول بیواسطه) جمله پایه یا اصلی می‌باشد:

"st šm'r' xypθ m'ny qt ryz'z qt wyntw qt'ny q'ry rw'n't šyrqty rw'n c'nw nyžnt cn tmp'r..."

"... و در اندیشه خود [خویش] | چنین | می‌خواست که ببیند روان گناهکار و نیکوکار را به هنگامی که از تن جدامی شوند..."<sup>۴</sup>

در پاسخ دستوری به این سؤال که او چه می‌خواست، بلافاصله می‌توان جمله پیرو یعنی "دیدن" را پاسخ گفت؛ که او دیدن (روح بدکار و نیکوکار را به هنگام عروج به آسمانها) می‌خواست. بنویست با توسل به این موضوع، شناسه سوم شخص مفرد در این قبیل جملات را  $'tw'$  می‌پندارد؛<sup>۵</sup> که به نظر نگارنده پنداری درست و منطقی است ولی همچنانکه گفته شد؛ جمله مذکور یک جمله مرکب است با وابسته پیرو متممی که کاملاً نیز مشخص است.

در پایان باید بگوییم که در این مورد هر چه بیشتر بر روی متون سغدی کار کنیم و به بررسی و تفحص بپردازیم، کاری درست و صواب کرده‌ایم؛ چرا که صحت و سقم نظرمان را با بیرون کشیدن مثالهای فراوان از متنهای موجود به اثبات می‌رسانیم.

1. precative

2. I.Gershevitch. op.cit, § §. 805-813, 815-822.

3. N.Sims Williams, op.cit, p.127(20). 4. Ibid, p.127(20)

5. Benveniste (1959), op.cit, p.120.